

دکتر فریدون آدمیت هر چه می نویسد خوب می نویسد. من هر نوشته‌ی تاریخی او را ندیده و نخوانده تصدیق و امضاء می‌کنم برای اینکه در فسن خود نه اشتباه می‌کند و نه غرض می‌ورزد.

من وقتی می‌خواهم بفهمم یک کتاب چه پایه‌یی از صحت و حقیقت دارد اول آن قسمتی را که خودم اطلاع دارم می‌خوانم اگر دیدم درست نوشته به بقیه مطالب آن اعتماد می‌کنم و اگر دیدم غلط نوشته زحمت خواندن بقیه آن را به خود نمی‌دهم زیرا می‌ترسم آنها را نیز به غلط نوشته باشد و مرا دچار اشتباه سازد و مطالب غلطی از آن در ذهنم بماند و آن را صحیح بپندارم. در این اواخر کتابهای زیادی راجع به تاریخ اخیر ایران و جنبش آزادیخواهی و نهضت فکری ایران و انقلاب مشروطیت نوشته شده که متأسفانه چون آزادیخواهان صدر مشروطیت وقایع را به طور دقیق ننوشته‌اند بعضی از این کتابها موجب گمراهی نسل جوان و خلط مبحث در تاریخ میهن ما می‌شود.

نسل جوان به خاطر بیاورد که یک نهضت فکری و سیاسی در ایران روی داد. سپاه آزادی و استبداد، اهریمن و اهورامزدا، ظلمت و تاریکی، عدل و ستم، قانون و اختیار مطلق با هم به نبرد پرداختند، یک عده از ایرانیان به حمایت عدل و داد و آزادی و قانون برخاستند و یک عده به طرفداری از ظلم و ستم و خودکامگی و استبداد جان‌فشانی کردند تا عاقبت به ظاهر رژیم استبداد و خودکامگی مغلوب و رژیم مشروطه و آزادی غالب گشت.

البته در میان هر دو دسته از لحاظ اخلاق فردی خوب و بد وجود داشت ولی مجاهد در راه حق اگرچه بعضی اخلاق بد شخصی داشته باشد بر مجاهد در راه باطل اگرچه از حیث اخلاق

امیرکبیر و ایران

تألیف: دکتر فریدون آدمیت



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فردی بعضی صفات خوب داشته باشد ترجیح دارد و اگر رژیم حق غالب گردید کسانی که آتش‌بیار رژیم ظلم و ستم و یا از پایه‌های آن رژیم بودند دیگر حق ندارند در رژیم حق و عدالت وارد خدمت گردند و روی قبای استبداد و ستمگری جبهه آزادیخواهی پوشند و زبان به بدگویی مجاهدین راه آزادی بگشایند و فداکاری‌های آنان را خیانت و خیانت‌های خود را خدمت جلوه‌گر سازند.

ولی در این مملکت که هیچ‌چیز دنیا نیست کاملاً قضیه به عکس شد و خدمتکاران خاص محمدعلی میرزا و فداکاران استبداد روی قبای استبداد جبهه آزادیخواهی پوشیدند و پست‌های مهم دولتی را اشغال کردند و بعد از ایشان نیز فرزندان ایشان جای ایشان را گرفتند و عرصه حکومت مشروطه به دست عمال استبداد و مرده‌ریگ‌خواران ایشان افتاد و ایشان به نام رژیم مشروطه طبق رژیم سابق خود عمل کردند! آزادیخواهان واقعی را از عرصه حکومت راندند و بعد از ایشان قلم به دست میراث‌خواران ایشان افتاد و ایشان آزادیخواهان واقعی را به باد فحش و دشنام گرفتند و یا یک عده نویسنده بیچاره یا بی‌اطلاع را استخدام کردند یا تحت تاثیر قرار دادند که پدران خیانتکار ایشان را خادم و خادمین حقیقی را خائن جلوه دهند. اما خوشبختانه یک عده نویسندگان با ایمان نیز پیدا شدند که با بیان حقیقت سنگ به دهن ژاژخایان کوبیدند و نیروی حقیقت از یک طرف و قدرت بیان ایشان از طرف دیگر نوشته‌های

غرض آلود غرض ورزان را مثل خورشید که سها را تحت الشعاع قرار می دهد، تحت الشعاع قرار دادند.

یکی از این نویسندگان دکتر فریدون آدمیت است که هرچه نوشته خوب و پخته و طبق واقع و حقیقت بوده و من با اینکه هنوز او را ندیده ام ولی آثار او مرا معتقد ساخته که یک نویسنده بدین قدرت قلم و شجاعت در ابراز عقیده خویش و وسعت اطلاع در فن خود اگر به کلی بی نظیر نباشد بسیار کم نظیر است.

اولین اثر او را که من دیدم شرح حال دستور بزرگ ایران میرزا تقی خان امیرکبیر بود که آن را خریدم و بعد یکی از شخصیت های خارجی بهترین کتابی که در این عصر به زبان فارسی نوشته شده از من خواست و من آن را به او اهداء کردم و همیشه متاسف بودم که کتابخانه من از این زیور عاطل شد.

ولی اخیراً خود ایشان نمی دانم روی سابقه کدام لطف یک نسخه را که به تازگی چاپ شده برای من ارسال داشته اند و من از ایشان تشکر می کنم ولی نه برای اهدای این کتاب بلکه برای اینکه قلم توانای خود را در خدمت به مملکت و آزادی و ابراز حق و عدالت به کار انداخته اند.

(نقل از روزنامه کیهان، شنبه ۶ دی ۱۳۴۸، شماره ۷۹۳۱)